STIEGLER, INC.

(818) 788-0234

16721 Ventura Blvd Encino

یک ایرانی اخراج شده از ژاپن اما در لندن نیز بازداشت شد؟

رستوران جوان

۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار

(۳۱۰) ۲۰۷-۵۵۵۵

www.JavanRestaurant.com

BARAN RESTAURANT

Fine Persian Cuisine

BARAN

1916 WestwoodBlvd La,Ca 90025

Tel:(310)475-4500 Fax:(310)470-5353

Tel: (818) 380 - 9192

16661 Ventura Blvd # 608

Metropolitan Realty group & Mortgage Services

www.rebeccakohan4homes.com

Rebecca kohan Real state & Loan Consultant

310 402-3359

دردفترایام

۱- در گوشه ای از چمن جلوی

فدرال بیلدینگ ایستاده بودم و در کنار عده ای که سایه درختی را در آن گرمای بعد از ظهر یکشنبه، غنیمت شمرده بودند. قیلا به نمایندگی از [illegible] آنجا نبودند، توسط آنها [illegible] و گفت هایی داشتیم ... در همین حیص و بیص خانمی میانه سال که او هم شاهد این گفتگوها بود و استراق سمع می کرد، کمی جلوتر آمد و خودمانی تر شد و سپس اشاره ای به سخنران وسط چمن کرد که [illegible] گفت: این اگه زندانی بوده چطوری فرار کرده و به آمریکا آمده؟ گفتم: خود او شرح داده که دوران زندانیش را گذرانده و مدتی گوش خوابانده و بعد خودش را به دوبی رسانده و در آنجا با توجه به سوابق [illegible] آمریکا به راحتی ویزا گرفته و حالا اینجاست و ملاحظه می فرمائید که دارد [illegible] می زند. از استبداد مذهبی می گوید. توصیه به رژیم می کند و می گوید یک هدف دارد: [illegible] خانم لحن اش را عوض می کند و می پرسد: شما که سلطنت طلب هستید چطور چنین افرادی را که طرفدار جمهوری هستند و اگر این جمهوری برود یک نوع جمهوری اسلامی دیگر می خواهند، تائید می کنید؟

حرف هایش [illegible] و جور بوداری از جمهوری اسلامی دفاع می کرد آن هم به نوعی بازجویی کردن.

به او گفتم: من هم مثل این جوان و هر کس دیگری که مخالف جمهوری اسلامی است [illegible] بعد چند راه هست برای این که از مردم خواسته شود که چه نوع نظامی را می خواهند ولی مسلم این که "هر نوع نظامی" در آینده با بستی [illegible] آن سنجاق شده باشد یعنی: استقرار دموکراسی.

خانم برگشت سر وسوسه حرف های اولش:

- اینایی که با آن بگیر و ببندها از ایران خارج می شوند لابد آدم های خیلی شوند و برای [illegible] شما مخالفان رژیم اومدند!

به شوخی گفتم: اگر به بنده مخالف رژیم باشد، هیچ وقت به این جاسوس ها بروز نمی دهم که چگونه می خواهیم [illegible] ...

او جدی گرفت و گفت: مردم ایران الانه راحتند از جنگ و انفجار و تیر و ترقه خوششون نمی آد، تازه وضع اونجا، اینطوری که شماها هم می [illegible] یعنی مشتش را باز کرد و فی الفور [illegible] رسیدم: [illegible] رو دست خورد و از دهنش در رفت، من سالی دو دفعه به ایران می رم و برمی گردم، آخه اونجا مستغلات و خونه و اینجور چیزا داریم.

[illegible] مثل خیلی ها که سفر [illegible] یا شوهرشون یا دخترشون) و از چند ماه پیش [illegible] و [illegible] رژیم شرکت نمی کنند و تازه از ایران که برمی گردند، [illegible] رژیم دستشونه...!

این خانم در حالی که می خواست از ما فاصله بگیرد، لقمه آخرش را هم از سفره ما گرفت و گفت: والله این طور که ما چند ماه پیش در ایران دیدیم آخوندها پنجاه سال دیگه میمونند!

یاد آن ضرب المثل قدیمی افتادم که می گفتند: کلاغه روی درخت نشسته بود و رو کرد به درخت و گفت: سفت وایسا میخوام بپرم!

[illegible]

از لابلای مقالات

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عیب و ایرادی گرفت ولی بعد از بازگشت است که ، کرکری خوانی آنها ...

مخصوص دو سه ماه اولی که از ایران می آیند) کلی آدم را ذله می کند. چقدر از تغییرات دیدنی ایران و برج ها و بزرگراه ها و رستوران های شیک و کافه ها و ارزونی! و فراوونی! همه چیز می گویند که همه این جور تعریف ها نشان می دهد که آنها در سفر به ایران، حتی از خیابان تخت طاووس به پائین تر هم نرفته اند و یا سفرهای توریستی به شیراز و اصفهان و مشهد... و نه حتی دیداری از یک شهر درجه دوم و سوم ...

روشن را بخورد.

آنها به محلات جنوب و غرب و شرق تهران، شهرک های اطراف آن، به اسلام شهر و ته تهران اصلا و ابدا سری نزده اند.

یا از همان صاحبخانه هایی (که چندین و چند روز تر و خشکشان می کنند) نپرسیده اند چقدر درآمد دارند و به ریال، گوشت و مرغ و برنج و روغنی را به چه مبلغی می خرند که می گویند: ...

پیرسند که اینها به چه قیمتی فراهم می شود؟ حالا از مسافران ایران، نمی خواهیم که آیا هیچ رفته ای از خانواده ای که سال به سال رنگ یک غذای گرم پلو و چلو و خورشت را نمی بیند بپرسی چطور به زندگیت ادامه می دهی؟ ...

به اضافه این که همه آن چه برج و بزرگراه و زرق و برق است ...

میلیاردها تومان به جیب می زنند و هم چنین ... هست که با زد و بند و رشوه، چهره تهران را به نحو زشتی بزک و دوزک کرده اند. دار و درخت باغات شمیرانات را تا لواسانات و فشم و میگون و اوشان حتی دماوند، از بین برده و هوای خوش آن مناطق را متواری کرده و یا برج ساخته اند یا ویلا های چند طبقه شیک و اعیانی به سبک ثروتمندان اروپا.

نظیر آن خانم مشکوک چمن فدرال بیلدینگ در اینجا هم کم نبوده اند که با تلفن یا حضوری و در مجالس از ما پرسیده اند چرا شما در مورد جمهوری اسلامی، جنایات و اخبار ایران مثل زنان خیابانی و دختران فراری، آنقدر غلو می کنید؟ یا این که: چتو ما که در ایران بودیم، این چیزها را ندیدیم و ...

مثل این که قرار بود این خانم ۶۰، ۷۰ ساله را توی خیابان به جای دختر ۱۶، ۱۷ ساله بدزدند و بهش ...!

جلوی آنها، یک برنامه ... به طور اختصاصی برایشان نشان بدهند!

یکی از روزنامه نگاران قدیمی که صفحه های داخلی یکی از روزنامه های ... را تنظیم می کند، چندی پیش ... بنده می گفت: آن چه در صفحه های روزنامه ها فقط از اخبار حوادث، منعکس می شود، لااقل یک به صد است. آن هم به خاطر این که مثلا روزنامه ها مطلبی را خواندنی داشته باشند. مردم آنها را به خاطر خبرهای جنایی و بعضی حوادث بخرند. بسیاری از حوادث و جنایات بزرگ و موهن نیز بعدها منتشر می شود آن هم فقط در دو سه سطر!

... و اما در این ردیف حرف و حدیث بسیار است و اصولا همه اینها به کنار ما با کل رژیم آخوندی، با ارتجاع حاکم، با فساد حاکم، با اختناق و ظلم و ستم حاکم، با فقدان آزادی، آرامش، امنیت و ادامه سانسور و بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام، مخالفیم و با آن مبارزه می کنیم... حالا خیر سرشان در طول این ۲۷ سال دو تا جاده ... چند ساختمان و برج ... به ضرب و زور دلار و یا ... دیگر چند فیلم فارسی را ... فستیوال های الکی و ... در دنیا برنده ... هنری نکرده اند، آن هم ... میلیارد دلار درآمد نفت و گاز در این ۲۷ سال؟!

... و اما این مهاجران مسافر که مرتب از آمریکا و اروپا و کانادا به تهران ... بهشت سازی می کنند و برای رژیم ... با این همه موهبتی (که با آب و تاب از آن یاد می کنند و برای رژیم ... از امتیازات مفتکی خود در اینجا و در غربت دارند، دست برنمی دارند و به ایران برنمی گردند...؟ و این طور ... در دل هموطنانشان می کارند که چنین امکانات، امتیازات و فرصت هایی را ندارند و یا اصولا نمی خواهند سر به تن آخوندهایی باشد که آن سرزمین اهورایی را به تسخیر خود درآورده اند و ...

... برای این که عریضه حرف های روز را تکمیل کرده باشیم این نتمه را هم از قول طنزنویس معروف ... بخوانید:

... مرد جوانی در ماه سال ۱۳۷۶ ... نامه "ایرانیان" ... می کند.

... جوان" سپس می ... پرسیده است که ... قرار است که ... پیشه آن ... خوشحال کننده است، اما یک ... این جریان کام ...

۳-به دنبال آن چه آن روزنامه نگار قدیمی گفته بود، یادم آمد که چندی پیش- یعنی در اردیبهشت امسال- در لا و لوهای خبر موفقیت یک دختر دانشجو که استادیار دانشگاه پرینستون شده است، هفته نامه "امید جوان" چاپ تهران نوشته بود:

... متن مثل این که قرار بود این خانم ۶۰، ۷۰ ساله را توی خیابان به جای دختر ۱۶، ۱۷ ساله بدزدند و بهش ...!

... شامل محققان و نخبگان جوانی است که در حوزه های ابتکاری مشغول به کار هستند..."

هفته نامه امید جوان در ادامه می نویسد: "روشن است که این خبر هر ... که برای خانواده میرزاخانی شادی‌آور و مسرت بخش و برای جامعه علمی ایران و دانشگاه صنعتی شریف مایه مباهات و افتخار باشد ولی ...

... و اما در این ردیف حرف و حدیث بسیار است و اصولا همه اینها به کنار ما با کل رژیم آخوندی، با ارتجاع حاکم، با فساد حاکم، با اختناق و ظلم و ستم حاکم، با فقدان آزادی، آرامش، امنیت و ادامه سانسور و بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام، مخالفیم و با آن مبارزه می کنیم... حالا خیر سرشان در طول این ۲۷ سال دو تا جاده ... چند ساختمان و برج ... به ضرب و زور دلار و یا ... دیگر چند فیلم فارسی را ... فستیوال های الکی و ... در دنیا برنده ... هنری نکرده اند، آن هم ... میلیارد دلار درآمد نفت و گاز در این ۲۷ سال؟!

... و اما این مهاجران مسافر که مرتب از آمریکا و اروپا و کانادا به تهران ... بهشت سازی می کنند و برای رژیم ... با این همه موهبتی (که با آب و تاب از آن یاد می کنند و برای رژیم ... از امتیازات مفتکی خود در اینجا و در غربت دارند، دست برنمی دارند و به ایران برنمی گردند...؟ و این طور ... در دل هموطنانشان می کارند که چنین امکانات، امتیازات و فرصت هایی را ندارند و یا اصولا نمی خواهند سر به تن آخوندهایی باشد که آن سرزمین اهورایی را به تسخیر خود درآورده اند و ...

... برای این که عریضه حرف های روز را تکمیل کرده باشیم این نتمه را هم از قول طنزنویس معروف ... بخوانید:

... مرد جوانی در ماه سال ۱۳۷۶ ... نامه "ایرانیان" ... می کند.

... جوان" سپس می ... پرسیده است که ... قرار است که ... پیشه آن ... خوشحال کننده است، اما یک ... این جریان کام ...

۳-به دنبال آن چه آن روزنامه نگار قدیمی گفته بود، یادم آمد که چندی پیش- یعنی در اردیبهشت امسال- در لا و لوهای خبر موفقیت یک دختر دانشجو که استادیار دانشگاه پرینستون شده است، هفته نامه "امید جوان" چاپ تهران نوشته بود:

... متن مثل این که قرار بود این خانم ۶۰، ۷۰ ساله را توی خیابان به جای دختر ۱۶، ۱۷ ساله بدزدند و بهش ...!

... شامل محققان و نخبگان جوانی است که در حوزه های ابتکاری مشغول به کار هستند..."

هفته نامه امید جوان در ادامه می نویسد: "روشن است که این خبر هر ... که برای خانواده میرزاخانی شادی‌آور و مسرت بخش و برای جامعه علمی ایران و دانشگاه صنعتی شریف مایه مباهات و افتخار باشد ولی ...

... و اما در این ردیف حرف و حدیث بسیار است و اصولا همه اینها به کنار ما با کل رژیم آخوندی، با ارتجاع حاکم، با فساد حاکم، با اختناق و ظلم و ستم حاکم، با فقدان آزادی، آرامش، امنیت و ادامه سانسور و بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام، مخالفیم و با آن مبارزه می کنیم... حالا خیر سرشان در طول این ۲۷ سال دو تا جاده ... چند ساختمان و برج ... به ضرب و زور دلار و یا ... دیگر چند فیلم فارسی را ... فستیوال های الکی و ... در دنیا برنده ... هنری نکرده اند، آن هم ... میلیارد دلار درآمد نفت و گاز در این ۲۷ سال؟!

... و اما این مهاجران مسافر که مرتب از آمریکا و اروپا و کانادا به تهران ... بهشت سازی می کنند و برای رژیم ... با این همه موهبتی (که با آب و تاب از آن یاد می کنند و برای رژیم ... از امتیازات مفتکی خود در اینجا و در غربت دارند، دست برنمی دارند و به ایران برنمی گردند...؟ و این طور ... در دل هموطنانشان می کارند که چنین امکانات، امتیازات و فرصت هایی را ندارند و یا اصولا نمی خواهند سر به تن آخوندهایی باشد که آن سرزمین اهورایی را به تسخیر خود درآورده اند و ...

USA Only 3.9 Cent a Minute

انگلستان	۴.۵ سنت
آلمان	۴.۵ سنت
فرانسه	۴.۵ سنت
اسرائیل	۳.۹ سنت
کانادا	۴.۵ سنت
استرالیا	۴.۵ سنت
سوئد	۴.۵ سنت
هلند	۴.۵ سنت

Norstar Telecommunications, LLC.

1-888-755-8674

چنین به نظر می رسید که انتظار داشت جناب بازجو با یکی دو سئوال مرا مجاب یا با توسل به ضرب و شتم و شکنجه، کارم را تمام کند و از این که این خواسته عملی نبود و جریان کش داده می شد به خود می پیچید. او یک بند یا در گوش بازجو پچ پچ می کرد یا مطالبی را روی تکه کاغذهای کوچک می نوشت و مقابل وی می گذارد، ایشان هم که عملا از این رفتار به ستوه آمده بود، در یک نوبت که افسر تجسس پاره ی نوشته را پیش رویش گذارد بی اختیار و با لحنی خشونت آمیز آن را کنار زد و همچنان به روش خود ادامه داد:

س- بگوئید چند کتاب نوشته و منتشر کرده اید؟

ج- جمعا شش جلد.

س- در کتاب هایتان از چه روش سیاسی جانبداری کرده اید؟

ج- نوشته های من جنبه ی ادبی و هنری دارد و مشی سیاسی خاصی در آن ها تعقیب نشده است.

در این هنگام بازجو ضمن این که پاسخ سئوال را می نوشت، با دست دیگر مشغول جمع آوری اوراق گردید، بعد هم آن ها را دسته کرد مقابل من گذارد و گفت:

- جواب هایتان را امضا کنید.

من که جهت انجام این مقصود، قلم را از وی گرفتم متوجه شدم نه دستم توان نوشتن دارد نه چشم هایم قدرت دیدن، دیدن کلمات. دست هایم به شدت می لرزید و نقطه ی دیدم محو و مواج بود، هر چقدر هم دقت و سعی می کردم نمی شد. با تلاش چند امضا انداختم ولی چون جا به جا بود و پرت، آقای منوچهری مچم را گرفت و متوقفم کرد. در این حال افسر تجسس انگار منتظر بهانه باشد یک باره به رویم حمله ور شد و یقه و گلویم را در پنجه های درشت و نیرومندش گرفت و از صندلی جدایم کرد. داشتم خفه می شدم، نفسم که به کلی بند آمد و به تشنج مرگ افتادم، بر زمینم کوبید لگدی هم به پهلویم فرود آورد. دیگر چیزی نفهمیدم.

●●●

نمی دانم چه مدت در اغما بودم ولی در روی تابش آفتاب می شد تخمین زد زمان زیادی نگذشته است. آقای دولت آبادی بالای سرم دولا شده با لیوانی مدرج و مخروطی شکل که مخصوص دارو سازها است و به آن "مزور" می گویند، مایعی را به حلقم می ریزد. از افسر تجسس خبری نبود. حالم که بهتر شد، سر جای خود قرار گرفته به کمک و راهنمایی آقای منوچهری "بالاخره به هر مشقتی بود برگ های بازجویی را امضا کردم."

پس از پایان کار، جناب بازجو اوراق را در کیف خود جای داد و بدون آن که کلامی بر زبان آورد، اتاق را ترک نمود. با خروج بازجو، آقای دولت آبادی نیز به دنبال وی رفت و من ماندم و یک مامور مراقب، یک سرباز که اتفاقا همان دوست محصلم بود و بیرون در قدم می زد.

هنوز باورم نمی شد جلسه و جریان بازجویی این گونه عادی و راحت و به خصوص به این زودی به پایان رسیده باشد و همچنان منتظر بقیه اش بودم. من منتظر بودم ببینم دنباله ی کار چگونه و برنامه ی بعدی چیست.

دقایقی چند نگذشت که آقای شعبانی بازگشت. داخل نیامد، همان جا در آستانه ی در ایستاد و مشغول تماشایم شد! حالت عجیبی داشت. چهره و نگاهش به کلی تغییر یافته بود. از دیدنش انسان به یاد آدمخواران آفریقا یا آدم سوزان جهنم می افتاد؟! این وضع و حال او مسلما مربوط می شد به همان کار، همان کاری که سرباز برای انجان آن به دنبالش آمد و او رفت و آن را انجام داد و بازگشت. اما آن کارچگونه کاری بود که در قیافه و حالت او این گونه اثرگذارده و این چنین دگرگونش کرده بود، این را خدا می دانست؟!!

آقای شعبانی نزدیک آمد، دستم را گرفت و به دنبال خود کشید. به راه که افتادیم با شگفتی یقین کردم و باورم شد بازجویی به همان جا و به همان ترتیب خاتمه یافته است!!

فضای بیرون را بوی تند و عجیبی پر کرده بود! بوی تندی که تحملش حتی برای همچو من زندانی مجردی که دماغ و مغزش از گند و گندیدگی تن آدم و هزاران تعفن دیگر اشباع شده بود، امکان نداشت. بوی سوختگی تاوه ی چربی که فلز ان نیز در حال گداختگی بود! تقریبا یک چنین بویی منتها هزاران بار غلیظ و شدیدتر. از دور و از پشت دیوار سمت راست ساختمان قلعه تنوره ی دود سیاه و سر به آسمان کشیده نیز دیده می شد که گواهی می داد این بو زاییده ی همان سوخت و سازی است که آن دود قبرگونه را باعث گردیده است. شگفت این که آقای شعبانی مسیر رفتنمان به سوی قلعه را نیز عوض نمود و به جای راه مستقیمی که آمده بودیم به سمت چپ دور زد و راه را دور کرد تا مبادا چشم من به منبع آن دود و بوی فزاینده بیفتد و چیزی را که او نمی خواست و نمی بایست ببینم، ببینم!

در سلول که به رویم بسته شد، با یک جمع بندی بر حوادث و مسائل جلسه ی بازجویی چنین دریافتم که حاصل کار به طور بارزی بایستی مثبت باشد طوری که رایحه ی نجات و آزادی از آن به مشام می خورد، واضح ترین دلیل آن نیز این که، اساسا یک چنین نحوه بازجویی در قاموس "ماتمکده" معنا و مفهوم نداشت. کی در کی چنان جایی متهم قادر بود خود پاسخ سئوال هایی را که از او می شد بدهد و بازجو نیز عینا آن ها را در اوراق بازجویی ثبت کند؟! اگر چنین بود که دیگر آن جا ساواک و خارج از قلمرو خدا نبود! در آن جا دیگر این طور شکنجه و کشتار و مرگ نبود!؟ پس این گونه بازجویی حقیقتا یک معجزه بود. معجزه ای که تصور رهایی یک قربانی را از قربانگاه امکان پذیر می ساخت!!

چنین به نظر می رسید که انتظار داشت جناب بازجو با یکی دو سئوال مرا مجاب یا با توسل به ضرب و شتم و شکنجه، کارم را تمام کند و از این که این خواسته عملی نبود و جریان کش داده می شد به خود می پیچید. او یک بند یا در گوش بازجو پچ پچ می کرد یا مطالبی را روی تکه کاغذهای کوچک می نوشت و مقابل وی می گذارد، ایشان هم که عملا از این رفتار به ستوه آمده بود، در یک نوبت که افسر تجسس پاره ی نوشته را پیش رویش گذارد بی اختیار و با لحنی خشونت آمیز آن را کنار زد و همچنان به روش خود ادامه داد:

س- بگوئید چند کتاب نوشته و منتشر کرده اید؟

ج- جمعا شش جلد.

س- در کتاب هایتان از چه روش سیاسی جانبداری کرده اید؟

ج- نوشته های من جنبه ی ادبی و هنری دارد و مشی سیاسی خاصی در آن ها تعقیب نشده است.

در این هنگام بازجو ضمن این که پاسخ سئوال را می نوشت، با دست دیگر مشغول جمع آوری اوراق گردید، بعد هم آن ها را دسته کرد مقابل من گذارد و گفت:

- جواب هایتان را امضا کنید.

من که جهت انجام این مقصود، قلم را از وی گرفتم متوجه شدم نه دستم توان نوشتن دارد نه چشم هایم قدرت دیدن، دیدن کلمات. دست هایم به شدت می لرزید و نقطه ی دیدم محو و مواج بود، هر چقدر هم دقت و سعی می کردم نمی شد. با تلاش چند امضا انداختم ولی چون جا به جا بود و پرت، آقای منوچهری مچم را گرفت و متوقفم کرد. در این حال افسر تجسس انگار منتظر بهانه باشد یک باره به رویم حمله ور شد و یقه و گلویم را در پنجه های درشت و نیرومندش گرفت و از صندلی جدایم کرد. داشتم خفه می شدم، نفسم که به کلی بند آمد و به تشنج مرگ افتادم، بر زمینم کوبید لگدی هم به پهلویم فرود آورد. دیگر چیزی نفهمیدم.

●●●

نمی دانم چه مدت در اغما بودم ولی در روی تابش آفتاب می شد تخمین زد زمان زیادی نگذشته است. آقای دولت آبادی بالای سرم دولا شده با لیوانی مدرج و مخروطی شکل که مخصوص دارو سازها است و به آن "مزور" می گویند، مایعی را به حلقم می ریزد. از افسر تجسس خبری نبود. حالم که بهتر شد، سر جای خود قرار گرفته به کمک و راهنمایی آقای منوچهری "بالاخره به هر مشقتی بود برگ های بازجویی را امضا کردم."

پس از پایان کار، جناب بازجو اوراق را در کیف خود جای داد و بدون آن که کلامی بر زبان آورد، اتاق را ترک نمود. با خروج بازجو، آقای دولت آبادی نیز به دنبال وی رفت و من ماندم و یک مامور مراقب، یک سرباز که اتفاقا همان دوست محصلم بود و بیرون در قدم می زد.

هنوز باورم نمی شد جلسه و جریان بازجویی این گونه عادی و راحت و به خصوص به این زودی به پایان رسیده باشد و همچنان منتظر بقیه اش بودم. من منتظر بودم ببینم دنباله ی کار چگونه و برنامه ی بعدی چیست.

دقایقی چند نگذشت که آقای شعبانی بازگشت. داخل نیامد، همان جا در آستانه ی در ایستاد و مشغول تماشایم شد! حالت عجیبی داشت. چهره و نگاهش به کلی تغییر یافته بود. از دیدنش انسان به یاد آدمخواران آفریقا یا آدم سوزان جهنم می افتاد؟! این وضع و حال او مسلما مربوط می شد به همان کار، همان کاری که سرباز برای انجان آن به دنبالش آمد و او رفت و آن را انجام داد و بازگشت. اما آن کارچگونه کاری بود که در قیافه و حالت او این گونه اثرگذارده و این چنین دگرگونش کرده بود، این را خدا می دانست؟!!

آقای شعبانی نزدیک آمد، دستم را گرفت و به دنبال خود کشید. به راه که افتادیم با شگفتی یقین کردم و باورم شد بازجویی به همان جا و به همان ترتیب خاتمه یافته است!!

فضای بیرون را بوی تند و عجیبی پر کرده بود! بوی تندی که تحملش حتی برای همچو من زندانی مجردی که دماغ و مغزش از گند و گندیدگی تن آدم و هزاران تعفن دیگر اشباع شده بود، امکان نداشت. بوی سوختگی تاوه ی چربی که فلز ان نیز در حال گداختگی بود! تقریبا یک چنین بویی منتها هزاران بار غلیظ و شدیدتر. از دور و از پشت دیوار سمت راست ساختمان قلعه تنوره ی دود سیاه و سر به آسمان کشیده نیز دیده می شد که گواهی می داد این بو زاییده ی همان سوخت و سازی است که آن دود قبرگونه را باعث گردیده است. شگفت این که آقای شعبانی مسیر رفتنمان به سوی قلعه را نیز عوض نمود و به جای راه مستقیمی که آمده بودیم به سمت چپ دور زد و راه را دور کرد تا مبادا چشم من به منبع آن دود و بوی فزاینده بیفتد و چیزی را که او نمی خواست و نمی بایست ببینم، ببینم!

در سلول که به رویم بسته شد، با یک جمع بندی بر حوادث و مسائل جلسه ی بازجویی چنین دریافتم که حاصل کار به طور بارزی بایستی مثبت باشد طوری که رایحه ی نجات و آزادی از آن به مشام می خورد، واضح ترین دلیل آن نیز این که، اساسا یک چنین نحوه بازجویی در قاموس "ماتمکده" معنا و مفهوم نداشت. کی در کی چنان جایی متهم قادر بود خود پاسخ سئوال هایی را که از او می شد بدهد و بازجو نیز عینا آن ها را در اوراق بازجویی ثبت کند؟! اگر چنین بود که دیگر آن جا ساواک و خارج از قلمرو خدا نبود! در آن جا دیگر این طور شکنجه و کشتار و مرگ نبود!؟ پس این گونه بازجویی حقیقتا یک معجزه بود. معجزه ای که تصور رهایی یک قربانی را از قربانگاه امکان پذیر می ساخت!!

EXPERT AUTO BODY CENTER
EXPERT AUTO BODY CENTRE
Tel: (818) 786 - 8400
Fax: (818) 786 - 5218
14326 Oxnard St. Van Nuys

Lic # 877 177 81-100

(818)786-8400
15928 Ventura Blvd, # 201-Encino, CA91436

(949) 768 0122
24000 Alicia Parkway, #28
Mission Veijio, CA 92691

(310) 376-0043
2322 ARTESIA BLVD
Redando Beach, CA 90278

(310)373 4448
24202 Hawthome Blvd,
Torrance, CA 90505

(714)991 6262
1112 N. Brookhuerst St.
Anaheim, CA 92801

949-552 - 8844
Heritage Square/ Behind Denny Rest
14120 Culver Dr. Suite
B.C.D Irvine CA 92714

(818)996-5104
6900 Reseda Blvd
(818) 757-1248
18000 Ventura Blvd
(310)207-7120
12231 Santa Monica Blvd

17261 Vanowen St.
(818)345-4251

دادگان رفت و داریوش مصطفوی برای چهارمین بار به فدراسیون فوتبال کشورمان بازگشت و این بار در شرایطی متفاوت‌تر از ادوار گذشته آمده تا با تجربه، رابطه و مدیریت خاص خود وضع نابسامان فوتبال ما را سر و سامانی داده و کمک کند که فوتبال ما در آسیا و جهان در اندازه قابلیت‌های خود ظاهر شود و باید منتظر بود و دید که آیا او این بار موفق‌تر از دفعات قبلی خواهد بود؟ مشکلات فوتبال ما آنقدر عدیده و فراوان است که بدون شک کار یک نفر به تنهایی نیست که بتواند در تمامی جبهه های آن حاضر شده و به اصطلاح یک تنه بخواهد همه چیز را در ماه یا یک سال حل و فصل کند.

تجربه ارزشمند مصطفوی که حاصل حضور ۴۰ ساله در فوتبال این کشور است دارای یک ارج و قرب خاص است و باید پذیرفت که او از جنس فوتبال است و دردها را می‌شناسد، اما سؤال دیگر این است که در شرایط فعلی که دنیا و علم فوتبال به حرکت پرشتاب خود ادامه می‌دهد ما می‌توانیم با تکیه بر تجربه و پیشینه به جنگ مشکلات امروز و آینده برویم؟ همگان می‌دانند دوره مدیریت فردی به سر آمده و در دنیا این برنامه افراد و تیم مدیریتی آنها ست که حرف اول و آخر می‌زند، مصطفوی که خود اهل فوتبال بوده و تجارب تلخ و شیرین گذشته را به یاد دارد بهتر می‌داند که باید با یک تیم بیرونی قوی و یک اتاق فکر علمی این بار بهتر و بیشتر از گذشته به فوتبال کشور خدمت کند.

یک رویکرد جدید، علمی، منطقی به همراه سود جستن از افکار جوان، فعال و برنامه ریز اگر در فدراسیون حاکم و مستقر شود می‌تواند راه دشوار حل مشکلات را هموارتر کرده و در کنار تجربه مصطفوی راهگشا باشد. استخدام مربیان بزرگ چون پکرمن، اسکولاری، تروسیه و... پس از صعود تیم ملی به جام جهانی از طرف مسؤولان ورزش و مطبوعات به طوری جدی مطرح بود و حالا می‌تواند یکی از نیازهای فوتبال ما با حضور مدیران جدید برطرف شود. ضرورت استفاده از مربیان خارجی درجه یک در فوتبال ملی پس از صعود به جام جهانی و پس از حذف از این مسابقات ضرورت بیشتری به خود گرفت و لذا این اقدام تنها می‌تواند یکی از یکصد کار فدراسیون جدید باشد که البته بازگو کردن آن پیش از انجام کار غیرحرفه‌ای به نظر می‌رسد. مصطفوی که از منتقدان برجسته فدراسیون قبلی بود باید زمینه سود بردن از مشارکت عمومی کارشناسان را مهیا کرده و در حوزه ها و کمیته های مختلف تحولی جدید در ساختار فدراسیون، جذب منابع انسانی، تشکیل ستاد برنامه ریزی و اصلاح قوانین و مقررات زیربنایی را سرلوحه کار خود قرار داده تا بتواند فوتبال کشور را اداره کند.

جمع کردن افراد مطیع و به‌کار گیری نیروهای تابع و بدون خلاقیت از مشکلات فدراسیون فوتبال در گذشته بود و مشکل دیگر اینکه مادامی که رابطه دانشگاه و علم با فدراسیون برقرار نشود بعید میشود باورکردکه کارها به راحتی حل شود. اوضاع نابسامان داوری و زمین‌های غیراستاندارد در ششمین دوره لیگ حرفه‌ای به همراه گردش مالی بالا در باشگاه‌ها همگی از کارهای عقب افتاده در فوتبال است که حل آنها نیاز به تأمل و یک مدیریت با حوصله و آینده نگر دارد. تأکید می‌کنیم این انبوه مشکلات فقط با یک نظام برنامه‌ریزی هدفمند در قالب طرح های کوتاه مدت و بلند مدت توسط نفر نه بلکه یک مجموعه قوی و کارآمد قابل حل است. اگر تا دیروز مصطفوی فقط یک منتقد صرف بود حالا او تبدیل به مرد اول فوتبال کشور شده، هر حرف و تصمیم او نوع تفکر مدیریتی‌اش را نشان داده و همگان منتظر رویکرد و نگاه او در انتخاب سرمربی، مدیرفنی و... هستند، تصمیمات او زیر ذره‌بین بوده و همگان به نقد آن خواهند پرداخت.

درجدیدترین رده بندی برترین های فوتبال جهان

از سوی سایت رسمی فیفا رده بندی برترین های فوتبال جهان در ماه جولای، پس از پایان رقابت های جام جهانی، اعلام شد.

به گزارش سایت فیفادر این رده بندی فوتبال ایران با کسب ۶۲۴ امتیاز، ۲۴ پله سقوط کرد و رده چهل و هفتم جهان را به خود اختصاص داد اما پس از استرالیا همچنان در رده دوم آسیا قرار دارد. همچنین فوتبال استرالیا با کسب ۵۵۷ امتیاز، نسبت به رده بندی قبلی [illegible] صعود کرد و به جایگاه [illegible] جهان دست یافت، همچنین عنوان بهترین تیم [illegible] آن خود کرد.

ضمن اینکه فوتبال ژاپن با ۶۱۵ امتیاز و ۳۱ پله سقوط رده چهلم و نهم جهان و سوم آسیا را بدست آورد.

در کره جنوبی دیگر تیم آسیایی نیز در این رده بندی با کسب ۵۵۷ امتیاز و ۲۷ پله سقوط در رده چهارم آسیا و پنجاه و ششم جهان قرارگرفته است.

عربستان نیز با کسب ۳۳۹ امتیاز به رده هشتاد و یکم جهان تا پس از فوتبال کشورهای ازبکستان و قطر که به ترتیب با ۶۰۶ و ۴۲۰ امتیاز رده پنجاهم و هفتاد و ششم جهان و پنجم و ششم آسیا را به خود اختصاص داده اند، در رده هفتم آسیا قرار بگیرد.

لازم بذکر است فوتبال برزیل با ۱۶۳۰ امتیاز همچنان رده اول فوتبال جهان را به خود اختصاص داده است و فوتبال ایتالیا، قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان با ۱۵۵۰ امتیاز در رده دوم قرار گرفته است. فوتبال کشورهای آرژانتین، فرانسه، انگلستان، هلند، اسپانیا، پرتغال، آلمان و جمهوری چک به ترتیب در رده های سوم تا دهم جهان جای دارند.

فعالیت های باشگاه پرسپولیس به دلیل عدم پایبندی مسؤولان این باشگاه به تعهدات خود در قبال «علیرضا امامی‌فر» تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق در آمد.

به گزارش خبرگزاری ورزش ایران حکم تعلیق فعالیت سرخپوشان پایتخت از سوی هیات منصفه سازمان لیگ صادر شده و تنها باید به تایید دبیر فدراسیون فوتبال برسد.

پیرو شکایت بازیکن سابق پرسپولیس از مدیران این باشگاه جلسات متعددی در فدراسیون برگزار گشت و در نهایت قرار بر این شد که تمام مطالبات امامی فر پرداخت گردد اما این امر هرگز محقق نشد تا اعضای هیات منصفه به این نتیجه برسند که پرسپولیس حق هیچ فعالیتی را تا اطلاع بعدی نخواهد داشت.

در این خصوص «عبدالرحمن شاه حسینی» رئیس هیات منصفه سازمان لیگ می گوید: پس از بررسی های دقیق و شنود ادعای طرفین ماجرا، به باشگاه پرسپولیس ابلاغ کردیم که حق و حقوق علیرضا امامی‌فر را به طور کامل پرداخت کند اما آنان هیچ توجهی به این موضوع نشان ندادند و در نهایت مجبور شدیم حکم تعلیق فعالیت های این باشگاه را صادر کنیم. این حکم توسط دبیر فدراسیون به اطلاع مدیران باشگاه پرسپولیس خواهد رسید.

شاه‌حسینی در ادامه افزود: در صورتی که طی روزهای آینده اقدام موثری از سوی مسؤولان پرسپولیس در این زمینه مشاهده نگردد، طبق قانون حتی جریمه‌ای در حد سقوط این تیم به یک رده پایین‌تر (لیگ دسته اول) می‌تواند مورد نظر مسؤولان امر قرار گیرد.

[illegible]

[illegible] شب در محلی که خارج از باشگاه استقلال بوده است با نماینده استقلال به توافق رسیده است و شاید ظرف امروز و فردا با این تیم قرارداد جنجالی خود را ثبت کند.

اما بد نیست بدانید که دوستان کاظمیان هم خبر داده اند که وی قصد پیوستن به استقلال را ندارد بلکه می خواهد با این ترفند مسؤولان پرسپولیس را برای پرداخت طلب هایش تحریک کند. در این رابطه اگر مسؤولان پرسپولیس ظرف امروز و فردا رضایت وی را با پرداخت این مطالبات به دست بیاورند، کاظمیان در پرسپولیس خواهد ماند.

جواد کاظمیان مهاجم جوان تیم پرسپولیس سه شنبه شب با مسؤولان استقلال مذاکره کرد. به گفته یکی از نزدیکان باشگاه استقلال، جواد کاظمیان سه شنبه

[illegible]

[illegible] نکونام از بین پنج تیم، اوساسونا را انتخاب کرد جواد نکونام که اولین بازیکن ایرانی در لالیگا است باید در تیم اوساسونا راه را برای سایر ایرانی ها باز کند. اما جواد قبل از پیوستن به اوساسونا پنج پیشنهاد داشت، هرتابرلین تیمی بود که حتی با جواد قرارداد داخلی هم امضا کرد، اما نتوانست ستاره ایران را به خدمت بگیرد، اشتوتگارت، کلن و دو تیم از امارات هم خواهان به خدمت گیری شماره ۶ ایران بودند. اما او اوساسونا را انتخاب کرد تا اولین ایرانی در لیگ اسپانیا باشد. نکونام با اوساسونا قرارداد سه ساله امضا کرده است که یک فصل آن بین او و باشگاه توافقی است.

به نوشته ک سات خبر استرالا نکونام قراردادی سه ساله به ارزش ۳/۵ میلیون پوند با این تیم اسپانیایی به امضا رساند. جوانجو لورنز مدیرعامل باشگاه اوساسونا درخصوص انتقال نکونام به این تیم گفت: او در جام جهانی خوب بازی کرد و در ۲۵ سالگی تجربه کافی را برای پیشرفت دارد.

وی افزود: ما به او اعتماد داریم، نکونام از تکنیک خوبی برخوردار است و می تواند کمک زیادی به ما کند.

همچنین باشگاه اوساسونا هکتور فونت هافیف تیم ویارئال را نیز به خدمت گرفت. این بازیکن ۲۲ ساله دیروز قرارداد سه ساله ای با اوساسونا به امضا رساند.

[illegible]

[illegible] نایب قهرمانی جام جهانی دست یافته است، درباره عملکرد تیم ملی فوتبال ایران در آلمان گفت : در مجموع تیم ایران توقعات را در این جام برآورده نکرد.

وی با بیان اینکه بازیکنان ایرانی می‌توانستند نمایش بهتری در این رقابتها داشته باشند، اظهار داشت : نکته قابل تعمیق این بود که قوای بدنی ملی پوشان ایران در نیمه دوم تحلیل می‌رفت این یکی از اصلی‌ترین دلایل ناکامی ایران مقابل مکزیک و پرتغال بود.

یونگ افزود : تیم ملی ایران پتانسیل کسب نتایج بهتری را در جام جهانی داشت اما نمی دانم چرا یک تیم باید در جام جهانی مشکل بدنی داشته باشد.

مربی تیم پرسپولیس گفت : ایوانکوویچ اشتباهات سرمربی هلند را که در این جام داشت تکرار کرد.

وی اضافه کرد : هر دو مربی نتوانستند از بازیکنان خود به نحو مطلوب استفاده کنند.

یونگ در خصوص ناکامی تیم هلند در جام جهانی گفت : فان باستن روی حرفش ایستاد و از برخی بازیکنان در ترکیب اصلی استفاده نکرد. حالا هم خودش باید پاسخ گوی عملکردش در این تیم باشد.

مربی هلندی تیم فوتبال پرسپولیس تهران گفت : نکات جدیدی در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، مشاهده نکردم.

تئودور یونگ روز سه شنبه در گفت وگو با سایت اینترنتی باشگاه پرسپولیس افزود: تنها نقوذهای فیلیپ لام مدافع تیم آلمان و پرس آلمانی ها از جلو که مستلزم داشتن قدرت بدنی بالاست، از نکات قابل توجه این جام بود.

وی درباره حضور تیم های ایتالیا و فرانسه در فینال جام جهانی گفت: این دو تیم شروع خوبی در جام نداشتند اما توانستند روند خوبی را دراین رقابتها داشته باشند.

مربی هلندی تیم پرسپولیس، زیدان، کاناوارو، فرینگس و لام را بهترین های بازیکنان جام هجدهم نام برد.

یونگ که همراه با تیم هلند به مقام

[illegible]

[illegible] تیم ملی ژاپن بدون حضور بازیکنان شاغل در باشگاه های اروپا در مرحله مقدماتی جام ملت های آسیا به مصاف یمن می رود.

به گزارش سایت AFC؛ سایورو کاوابوچی رئیس فدراسیون فوتبال ژاپن در گفتگو با خبرگزاری کیوو گفت: فصل رقابت های باشگاهی در اروپا در آن زمان آغاز می شود. من فکر می کنم آقای ایوکا اوسیم، که احتمالا به عنوان مربی جدید تیم ملی ژاپن برگزیده خواهد شد، نگران کار بازیکنان شاغل در اروپا است و دوست دارد آنها فصل جدید را خوب آغاز کنند.

نیمی از بازیکنان ملی پوش ژاپن در خارج از این کشور و اکثر آنها در باشگاه های اروپایی بازی می کنند. گفتنی است اولین بازی تیم ملی ژاپن تحت هدایت اوسیم، احتمالا یک بازی دوستانه مقابل ترینیدادو توباگو در تاریخ ۱۸ مرداد است، اگرچه هنوز انجام این بازی قطعی نشده است.

برای این بازی، سرمربی ژاپن نمی تواند از بازیکنان تیم های گامبا اوزاکا و جف یونایتد و نیز لژیونرهای شاغل در اروپا استفاده کند.

تیم ملی ژاپن برای مرحله مقدماتی جام ملت های آسیا از ۱۶ مرداد تمریناتش را آغاز می کند و روز ۲۵ مرداد به مصاف یمن می رود

[illegible]

[illegible] قطر در دیداری دوستانه [illegible] دسته اولی پاپلوش چک را [illegible] است داد.

[illegible] گزارش گروه فوتبال خبرگزاری [illegible] تیم ملی قطر در [illegible] اسپانیا [illegible] اولین بازی دوستانه اش در اردوی [illegible] تیم پاپلوش را [illegible] تیم در لیگ دسته اول چک حضور دارد.

[illegible] ول پاپلوش ۲ بر یک از تیم ملی [illegible] نظر پیش افتاد. ولی بازیکنان قطر در نیمه دوم با دو گلی که به ثمر رساندند نتیجه را به سود خود تغییر دادند.

قطری ها این اردوی تمرینی را به منظور حضور در رقابت های قهرمانی غرب آسیا در بیروت برگزار کرده اند.

قطر در دومین بازی تدارکاتی اش روز جمعه مقابل تیم لگنیچ لهستان قرار می گیرد و سپس به تیم اسلاویا چک دیدار می کند و سرانجام پس از آخرین بازی برابر متروپولوپ لهستان در تاریخ ۲۹ تیر به اردوبش در چک خاتمه می دهد.

5525 Etiwanda Ave Suit209 Tarzana,Ca 91365

گفته ها | شنیده ها | خوانده ها

در سال های دور از سینمای فعلا موجود ایران که او در آن زمان شهرت فراوانی داشت منتهی در نقش های منفی اهل "تجاوز" به زنان و دختران معصوم بود و ناموس دیگران !و به ناچار درگیر این قضایا با آرتیست اول فیلم که دنبال "جنایتکار" می گشت تا قیمه و قورمه اش کند و به دنبال آن یک بزن بزن حسابی سینمایی.

می گویند یک روز زن سالمندی آمده بود جلوی یک استودیو می گفت: می خواهد جلال را ببیند. پرسیدند کدام جلال؟ جوابداده بود: همونی که به زور به زنها تجاوز میکنه!

اما جلال در زندگی عادی همان زمان مردی صمیمی و مهربان و خوش خلق و خو و جوانمرد بود و به روایت "شمشادیان" این روحیات خود را تاکنون حفظ کرده است و دوستان و دوستداران فراوانی دارد.

جلال پیشوائیان که سال ها پیش به آلمان کوچ کرده دارای یک دختر دندان پزشک است و پسرش یک قهرمان برجسته و یک بیزنس من موفق.

"جلال" با این که ۷۰ سال دارد، گاه گداری از او دعوت می شود و به ایران می رود و در صورت پسندیدن رلش روزهایی را در عالم سینما می گذراند و لابد زیر لب می گوید خوشا آن روزگاران در کنار ناصر ملک مطیعی، محمد علی فردین، بهروز وثوقی، جمشید مشایخی و دیگران... و خوشا به آن رل های سختش تجاوز به عنف

دورببین!

روزی یک هنرپیشه کمدی در مقایسه چارلی چاپلین با انیشتن گفته بود: برعکس چارلی چاپلین که همه مردم هنرش را می فهمند و تحلیل می کنند، اما هنر انیشتن را تمام مردم تحسین می کنند با این تفاوت که هیچ کس حرف های او را نمی فهمد!

از آخوندی که او را قلب انقلاب می خواندند و حالا قدری کسل شده پرسیدند: آقا نظر شما در مورد صدور انقلاب چیه؟ جوابداد: بهتره که همه اش را صادر کنید!

در لندن به پاسگاه تلفن خبر دادند: جناب سروان اینجا دارم می بینم که یک نفر داره زن و پسرشو رو بار و بندیل اتومبیل خودش با طناب می بنده!

افسر پاسگاه گفت: اونو می شناسیمش یک اسکاتلندیه که میخواد اتومبیلش رو ببره کارواش !

دوست ما رضا شمشادیان خبرنگار سینمایی و هنری در مجلات سینمایی پیش از انقلاب، سالهاست که در آلمان (هامبورگ) اقامت دارد و در مجله جوانان دیدیم و خواندیم که چه بجا یادی کرده است از "جلال پیشوائیان" یکی از بازیگران قدیمی فیلم های معروف

15472 VenturaBlvd
(818)789-7788

8316-529-668-1

بهارزیبای ایران رابه
خانه شمامی آورد

6565-107-818

WWW.shir-international.com

اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل گفته است اقدام حزب الله لبنان در حمله به خاک اسرائیل و به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی را اقدامی جنگجویانه توسط لبنان تلقی می کند.

آقای اولمرت گفته است لبنان بهای سنگینی بابت این اقدام خواهد پرداخت.

دو سرباز اسرائیل در جنوب لبنان در جریان درگیری های مرزی به اسارت چریک های حزب الله درآمده اند.

نخست وزیر اسرائیل گفت لبنان را مسئول جان این دو سرباز می داند.

وی همچنین خواستار برگزاری جلسه اضطراری کابینه اسرائیل برای بررسی اقدامات بعدی در این مورد شده است.

مقامات اسرائیلی می گویند چند هزار نیروی ذخیره ارتش را به خدمت فراخوانده اند.

اسرائیل برای اولین بار از زمان عقب نشینی از لبنان در شش سال پیش، طی روزهای اخیر جنوب لبنان را هدف تهاجم زمینی و هوایی قرار داده است.

به گفته منابع نظامی اسرائیلی، این حملات در واکنش به پرتاب چند فروند موشک از داخل خاک لبنان به سوی هدف هایی در شمال اسرائیل صورت گرفت.

درگیری های نیروهای اسرائیلی و لبنانی تلفاتی نیز در پی داشته که دست کم دو غیرنظامی لبنانی در میان کشته شدگان هستند.

پاتریشیا رشبروک، یک روانکاو اطفال ۶۲ ساله، مسن ترین زنی است که در بریتانیا وضع حمل کرده است. جان فارنت، همسر ۶۰ ساله پاتریشیا بروک می گوید حال مادر و نوزاد وی که پسر است خوب است.

منتقدین، داشتن فرزند در یک چنین سن بالایی را عملی خود خواهانه خوانده اند ولی والدین نوزاد مورد بحث می گویند مطمئن هستند که قادر خواهند بود احتیاجات فرزندشان را تامین کنند.

خانم رشبروک در توجیه اقدام خود به روزنامه دیلی میل چاپ بریتانیا گفته است: ما هردو فوق العاده سالم هستیم و من همیشه خود را بسیار جوان احساس کرده ام و جوان هم به نظر می آیم. ولی با این وجود ما دارای دوستان جوانتر

صاحب فرزند هستیم که موافقت کرده اند اگر اتفاقی برای ما بیفتد سرپرستی کودک ما را قبول کنند.

این زن و شوهر برای درمان نا باروری توسط دکتر سورینو آنتینوری، که ایتالیایی است، به شوروی سابق سفر کرده بودند.

دکتر رشبروک هم اکنون از همسر سابق خود دارای سه فرزند بالغ ۲۶ ساله، ۲۲ ساله و ۱۸ ساله است ولی همسر کنونی وی اولین باری است که پدر می شود.

آدرس: وست وود تلفن : ۲۱۲۱-۴۷۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ سانتامونیکا